

Opportunities and Challenges of Iran's Economic Diplomacy in the Context of the Comprehensive Strategic Cooperation Agreement with China

Saeed Esramee*
Fatemeh Soleimani Poulak**

Abstract

Iran and China, two countries that are involved in structural conflicts with the international system, in a process based on convergence, have signed an agreement called "Comprehensive Strategic Partnership Agreement", which is basically aimed at geo-economic goals. This cooperation document can bring opportunities for Iran's economic diplomacy, and its implementation will be accompanied by challenges simultaneously. The main question of this is what opportunities and challenges does the comprehensive strategic partnership agreement bring to strengthen Iran's economic diplomacy? The hypothesis is that this agreement includes economic opportunities for Iran in the fields of facilitating communication and information infrastructure, expanding trade and investment, financial and banking cooperation, participating in the Belt and Road Initiative and reducing sanctions pressure. However, challenges such as different approaches and expectations from the agreement, inconsistency between the two countries in the theoretical and practical areas of policymaking, different business structures, sanctioning of the financial and banking convergence of the two countries, and the lack of Iranian economic and commercial diplomats are hindering Iran's economic diplomacy. The aim of the article is to identify and analyze the points of convergence and divergence between the economic diplomacy of Iran and China according to the 25-year agreement. Achieving this goal is pursued based on the descriptive-analytical method and relying on the conceptual and theoretical frameworks of economic diplomacy. The result indicates that despite the openings for Iran's economic diplomacy in the light of the strategic agreement, it is also overshadowed by the challenges of influence. The most important challenge among these challenges is the heavy shadow of sanctions, which severely limits Iran's maneuverability in benefiting from the economic benefits of this agreement.

Keywords: economic diplomacy, China, Iran, comprehensive strategic partnership agreement

Article Type: Research Article.

Citation: Esramee, Saeed & Soleimani Poulak, Fatemeh (2022). Opportunities and Challenges of Iran's Economic Diplomacy in the Context of the Comprehensive Strategic Cooperation Agreement with China, *International Political Economy Studies*, 5 (2), 627-657.

* Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Corresponding Author), eslameesaed41@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 2, pp. 627-657.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق مشارکت جامع راهبردی با چین

سعید اسلامی*

فاطمه سلیمانی پورلک**

چکیده

ایران و چین دو کشوری که درگیر تعارضات ساختاری با نظام بین‌الملل هستند، در یک روند مبتنی بر هم‌گرایی، توافقی موسوم به «توافق مشارکت جامع راهبردی» امضاء کرده‌اند که اساساً معطوف به اهداف ژئواکونومیکی است. این سند مشارکت می‌تواند حامل فرصت‌هایی برای دیپلماسی اقتصادی ایران بوده و در عین حال، اجرای آن با چالش‌هایی نیز همراه خواهد بود. نوشتار پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که توافق مشارکت جامع راهبردی چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی ایران به همراه دارد؟ فرضیه آن است که این توافق متضمن فرصت‌های اقتصادی برای ایران در حوزه‌های تسهیل زیرساخت‌های ارتباطات و اطلاعات، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، همکاری مالی و بانکی، مشارکت در ابتکار کمربند و راه و کاهش فشارهای تحریمی است. باوجود این، چالش‌هایی مانند رویکردها و انتظارات متفاوت از توافق، ناهماهنگی دو کشور در حوزه‌های نظری و عملی سیاست‌گذاری، ساختارهای تجاری متفاوت، تحریم‌زدگی هم‌گرایی مالی و بانکی دو کشور و کمبود دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری ایرانی بازدارنده دیپلماسی اقتصادی ایران می‌شوند. هدف پژوهش آن است که نقاط تلاقی و تفارق میان دیپلماسی اقتصادی ایران و چین به‌موجب توافق ۲۵ ساله شناسایی و تجزیه و تحلیل شود. دستیابی به این هدف براساس روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر چارچوب‌های مفهومی و نظری دیپلماسی اقتصادی دنبال می‌گردد. نتیجه نهایی بیانگر آن است که باوجود گشایش‌هایی برای دیپلماسی اقتصادی ایران در پرتو توافق راهبردی، اما چالش‌های تأثیرگذاری نیز آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهم‌ترین این چالش‌ها سایه سنگین تحریم‌هاست که قدرت مانور ایران را در بهره‌مندی از مزایای اقتصادی این توافق به‌شدت محدود می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی اقتصادی، چین، ایران، توافق مشارکت جامع راهبردی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول)، eslameesaeed44@gmail.com

** استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۱. مقدمه

امضای توافق ۲۵ ساله ایران و چین موسوم به توافق مشارکت جامع راهبردی سپهر سیاسی ایران را درگیر چالش و مناظره میان موافقان و مخالفان آن کرده است. برخی موافقان با رویکرد حداکثری و ساختارگرا، چین را به‌طور اجتناب‌ناپذیر شریک راهبردی ایران در آینده تلقی کرده و نوعی الزام اقتصادی و سیاسی در ارتقای مناسبات با چین متصورند و برخی دیگر براساس رویکرد حداقلی، با توجه به فشارهای بین‌المللی تصاعدیابنده علیه جمهوری اسلامی، نوعی مطلوبیت ناگزیر برای گسترش روابط با چین قائل‌اند. طیف دیگر، مخالفانی هستند که گرچه از محتوای دقیق توافق نامه اطلاعی ندارند، اما با بدبینی آن را تفسیر و تحلیل کرده و صرفاً طرف چینی را برنده می‌دانند.

گذشته از ابهامی که فضای سیاسی ایران را دربر گرفته و رفع آن مستلزم خوانش متن توافق نامه و آگاهی کامل از ماهیت و مندرجات آن است، مسئله اصلی این است که سند مشارکت راهبردی ۲۵ ساله در چارچوب ملاحظات و فشارهای ساختاری بین‌المللی ناظر بر سیاست خارجی ایران و چین و در فضای کلان روابط دو کشور، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ایران و چین تحت تأثیر ضرورت‌هایی قرار دارند که بیان‌گر چرایی تصمیم و اراده آن‌ها برای بسط و تعمیق روابط دوجانبه در چارچوب توافق مشارکت راهبردی ۲۵ ساله است. بدیهی است که برخی ضرورت‌ها به‌صورت متقابل و مشترک تهران و پکن را به یکدیگر نزدیک ساخته و روابط آن‌ها را قوام بخشیده که درنهایت، به تنظیم و امضای این سند مشارکت انجامیده، اما طبعاً ملاحظات متفاوت و انفرادی نیز وجود دارد که مانع تعمیق روابط دو کشور می‌گردد. طبعاً ضرورت‌ها عرصه را برای فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی ایران فراهم می‌آورد و ملاحظات متفاوت همچون چالشی در این زمینه عمل می‌کنند.

از این رو، پژوهش حاضر معطوف به یافتن پاسخی برای این سؤال است که سند مشارکت جامع راهبردی چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی ایران به همراه دارد؟ فرضیه آن است که این توافق متضمن فرصت‌های اقتصادی برای ایران در حوزه‌های تسهیل زیرساخت‌های ارتباطات و اطلاعات، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، همکاری مالی و بانکی، مشارکت در ابتکار کمربند و راه و کاهش فشارهای تحریمی است.

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۲۹

باوجود این، چالش‌هایی مانند رویکردها و انتظارات متفاوت از توافق، ناهماهنگی دو کشور در حوزه‌های نظری و عملی سیاست‌گذاری، ساختارهای تجاری متفاوت، تحریم‌های مالی و بانکی دو کشور و کمبود دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری ایرانی بازدارنده دیپلماسی اقتصادی ایران می‌گردند. هدف مقاله آن است که نقاط تلاقی و تفارق میان دیپلماسی اقتصادی ایران و چین را به‌موجب توافق ۲۵ ساله شناسایی و تجزیه و تحلیل کند. نیل به این هدف براساس روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به چارچوب‌های مفهومی و نظری دیپلماسی اقتصادی دنبال می‌گردد.

در این راستا، مقاله نخست به تشریح چارچوب مفهومی و مبانی نظری پرداخته و طی آن نظریه «دوره گذار» را به‌عنوان چارچوب تحلیلی برگزیده است. سپس ضرورت‌ها و اقتضائات سیاسی و اقتصادی که ایران و چین را در دوره گذار به‌سوی هم‌پیمانی و هم‌گرایی در قالب توافق مشارکت جامع راهبردی سوق می‌دهد، تبیین می‌گردد. در بستر شناخت ضرورت‌های دو کشور، فرصت‌ها و گشایش‌هایی که در حوزه دیپلماسی اقتصادی برای ایران فراهم می‌گردد، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. افزون بر این، ایران چالش‌هایی نیز به‌مثابه عوامل بازدارنده در برابر اجرایی‌سازی توافق ۲۵ ساله فراروی خود دارد که مستلزم سیاست‌گذاری مناسب و متناسب است.

۲. ادبیات پژوهش

نو بودن مسئله و به‌ویژه ابهام و چالش‌انگیزی آن در فضای سیاسی باعث شده تا غنای لازم در زمینه تدوین کتب یا مقالات علمی در این زمینه وجود نداشته باشد. منابع موجود در این زمینه را می‌توان در سه مقوله طبقه‌بندی کرد:

دسته اول، منابعی که به تبیین دیپلماسی مشارکتی چین پرداخته‌اند. در زمره این آثار می‌توان به مقالات چنگ و ژانگ تحت عنوان «الگوها و محرکه‌های رفتار استراتژیک بین‌المللی چین» (۲۰۰۲)، لی و یی با عنوان «ظهور شبکه مشارکتی چین» (۲۰۱۹)، استروور «صف‌بندی بین‌المللی بین منافع و ایدئولوژی: مورد دیپلماسی مشارکتی چین» (۲۰۱۶) و کتاب ندکارنی با عنوان «مشارکت‌های استراتژیک در آسیا: توازن بدون اتحاد» (۲۰۱۰)

اشاره کرد. مطابق دسته‌بندی که این نویسندگان ارائه کرده‌اند، کشورها و مناطق طرف مشارکت با چین به سه گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: مشارکت استراتژیک جامع، مشارکت استراتژیک و مشارکت منظم. این دسته‌بندی‌ها تفاوت همکاری و مشارکت را نشان می‌دهد. در حالی که کشورهای گروه اول در هفت زمینه منافع حیاتی؛ امنیت و مقابله با تروریسم مبادلات نظامی، موضوعات بین‌المللی و منطقه‌ای، فضا، اقتصاد و فرهنگ همکاری می‌کنند، کشورها و مناطق دو گروه دیگر در برخی زمینه‌ها وارد مشارکت با چین می‌شوند؛ اما نکته مهم آنکه در هر سه دسته تمامی کشورها و مناطق، مشارکت اقتصادی و فرهنگی با چین دارند.

فصل مشترک تمامی این منابع آن است که ضمن تعریف مفهوم دیپلماسی مشارکتی چین و بیان خاصه‌های آن، منافع اصلی چین در روابط خارجی را متغیر تعیین‌کننده انتخاب شرکا می‌دانند. بر این اساس، دیپلماسی چین اساساً با نیاز به تأمین منابع انرژی و کالا، جستجوی بازارهای جدید برای صادرات و سرمایه‌گذاری چینی و ترسیم تصویر چین به‌عنوان یک قدرت مسئول و مسالمت‌جو هدایت می‌شود. منافع اقتصادی یکی از مهم‌ترین محرک‌های صف‌بندی‌های مشارکتی چین است. این منطق منفعت‌محور، دستاوردهای تجاری، اقتصادی، دسترسی به منابع طبیعی و نفوذ در مناطق جهان را به متغیرهای اصلی انتخاب شریک برای چین تبدیل می‌کند.

دسته دوم، منابعی که به تبیین دیپلماسی اقتصادی ایران پرداخته‌اند. جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌ها و چالش‌ها» (۱۳۹۱) در راستای بررسی موانع و چالش‌های جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اقتصاد ایران در شاخص‌های اقتصاد جهانی پرداخته و از این رهگذر چالش‌های سه‌گانه فراروی دیپلماسی اقتصادی ایران یعنی تقابل سیاست/اقتصاد، تقابل دولت/بازیگران غیردولتی و تقابل داخل/خارج را تبیین می‌کند. مقاله دیگر، «چالش‌ها و ضرورت دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی» به قلم فاطمه سلیمانی پورلک (۱۳۹۵) استدلال می‌کند که ایران به‌عنوان کشوری که با چالش‌های درون‌ساختاری اقتصادی و سیاست‌های تحریمی غرب دست‌وپنجه نرم

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۳۱

می‌کند، ضرورت‌هایی پیرامون توسعه اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا فراروی خود دارد. از این دیدگاه، بازیابی قدرت ملی و بازدارندگی تهدیدهای محیطی کاربست دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران را ضروری می‌سازد.

دسته سوم، منابعی که روابط ایران و چین را مورد مطالعه قرار داده‌اند. فاطمه سلیمانی پورلک در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامع روابط دوجانبه ایران و چین» (۱۳۹۵) به مهم‌ترین فرصت‌ها و زمینه‌های گسترش روابط دو کشور می‌پردازد؛ هم‌سویی در برخی حوزه‌های سیاست خارجی، تکمیل‌گری اقتصادی و همپوشانی‌های امنیتی؛ اما در عین حال روابط دو طرف را با محدودیت‌ها و چالش‌هایی نیز مواجه می‌بیند؛ سیاست ساختارگرا و سیاست قدرت‌محور چین. محسن شریعتی‌نیا در مقاله «همکاری اقتصادی ایران و چین در کمربند اقتصادی جاده ابریشم» (۱۳۹۶) به برخی همپوشانی‌ها در انتخاب‌های استراتژیک دو کشور، نیازهای توسعه‌ای و موقعیت ژئواکونومیک ایران، تعاملات حداقلی بوروکراسی‌های سیاست‌گذار دو کشور و مشکلات مبادلات مالی با ایران به‌عنوان متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر روابط با چین اشاره می‌کند. نویسنده بر این باور است که مهم‌ترین فرصت‌های همکاری دو کشور تسهیل ارتباطات و کلیدی‌ترین چالش‌های همکاری آن‌ها در حوزه هم‌گرایی مالی است. رضا اختیارامیری در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علل و زمینه‌های گسترش روابط ایران و چین در عصر پسابرجام» (۱۳۹۶) استدلال می‌کند که مؤلفه‌هایی مانند وفاداری چین به ایران در شرایط سخت تحریم‌ها، تداوم بی‌اعتمادی ایران به غرب، الزامات اقتصادی متقابل تهران-پکن، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران، لزوم مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم و همچنین مخالفت با نظم موجود بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی امریکا موجب شده تا ایران و چین بکوشند تا همکاری‌های دوجانبه را بیش از پیش گسترش دهند.

در اندک منابعی که پیرامون روابط ایران و چین یافت می‌شوند، به تبیین دقیق فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران به‌موجب سند مشارکت و همچنین چالش‌های آن بی‌توجه بوده‌اند. این مقاله کوشیده تا از منظر عملیاتی و کاربردی به حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی در روابط ایران و چین به‌موجب این توافق بپردازد و حوزه‌های هم‌نشینی و

هم‌گیزی دیپلماسی مشارکتی چین و دیپلماسی اقتصادی ایران را مشخص کند. نویسنده ضمن اذعان به ساده‌سازی ارتباط بین این دو حوزه دیپلماسی با دسته‌بندی فرصت‌ها و چالش‌ها، نوآوری مقاله را نیز در همین نکته می‌داند.

۳. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

۳-۱. چارچوب مفهومی؛ دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی «به معنای رابطه متحول ثروت و قدرت در روابط بین‌الملل و در نتیجه، بسط مفهوم دیپلماسی و خارج شدن آن از قالب تنگ سنتی و دولت‌محور است» (Saner, 2001:1) و در مقابل، مدیریت روابط اقتصادی به‌طور توأمان به دولت و بازیگران غیردولتی واگذار و با ویژگی‌های نوین پیچیده‌تر شده است (Bayen, 2011). از این دیدگاه، دیپلماسی اقتصادی مستلزم اقدامات رسمی دیپلماتیک به‌منظور افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی است و فعالیت‌هایی را دربر می‌گیرد که منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی را تأمین کند (Baranay, 2009: 2).

مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه افزایش تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از راه گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری (Bayen, 2011)، تسهیل فضای کسب‌وکار تجاری، گسترش صنعت توریسم، بهبود تصویر کشور، دستیابی به فناوری و علم (Naray, 2008) و دسترسی به بازارهای جهانی (Sklias, 2012: 288) است که به توسعه اقتصاد ملی کمک می‌رساند. کارویژه این وجه از دیپلماسی دستیابی به اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک با ابزارهای اقتصادی یا غیراقتصادی است (Ploae, 2010). بر این اساس، بین سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی رابطه مبتنی بر قوام‌بخشی متقابل وجود دارد که به‌موجب آن از اهرم‌های اقتصادی برای نیل به اهداف سیاست خارجی و از ابزارهای سیاست خارجی برای نیل به اهداف و منافع توسعه اقتصادی بهره‌برداری می‌شود (Organization for Economic Cooperation and Development, 2009).

بر این اساس، بین سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی رابطه مبتنی بر قوام‌بخشی

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۳۳

متقابل است که به موجب آن از اهرم‌های اقتصادی برای نیل به اهداف سیاست خارجی و از ابزارهای سیاست خارجی برای نیل به اهداف و منافع توسعه اقتصادی بهره‌برداری می‌شود (Organization for Economic Cooperation and Development, 2009). پرواضح است که دیپلماسی اقتصادی دارای ریشه‌های اقتصادی بوده و خاصه‌های آن این‌گونه فهرست می‌شود:

- در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، نسبت تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری در مقایسه با تولید ملی به‌طور مداوم در حال رشد است؛
 - اصلاحات اقتصادی بازارمحور و صادرات‌محور در کشورهای در حال توسعه، سهم بالایی در ادغام سریع‌تر این دولت‌ها در اقتصاد جهانی داشته است؛
 - جهانی‌شدن تجارت و بازرگانی، به افزایش تولید و گسترش جریان سرمایه و خدمات و در نتیجه به بسط ارتباطات بین کشورها منجر شده است.
 - گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری با هدف کاهش موانع تجارت بین‌الملل و فرایندهای سرمایه‌گذاری مدلی جدید در حوزه فعالیت‌های دیپلماتیک ارائه می‌نماید (Bayen, 2011).
- در شرایطی که دیپلماسی اقتصادی به جزء لاینفک سیاست خارجی تبدیل شده، اشکال نوینی از رفتارهای همکاری‌جویانه بین‌دولتی نیز ضرورت یافته‌اند. در این راستا، توافق‌نامه‌های راهبردی چین با سایر کشورها «توصیف‌کننده ابزاری دیپلماتیک هستند که امکان پیگیری مشترک منافع متقابل (اقتصادی) را فراهم می‌سازند» (Nadkarni, 2016: 46). این الگو متضمن پیوندهای نزدیک (غیرامنیتی) میان دولت‌ها، تابع منطق «هدف‌محور» (Wilkins, 2012: 361) و معطوف به روابط باثبات بدون هدف گرفتن طرف ثالث است (Goldestein, 2005: 134).

۲-۳. مبانی نظری

مطالعه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران به‌ویژه در قبال چین نیازمند یک چارچوب نظری ناظر بر تحولات سیستمی است که ساختار نظام بین‌الملل را تبیین می‌کند. نظریه پردازان روابط بین‌الملل در تبیین و گونه‌شناسی نظام بین‌الملل پس‌اجنگ سرد همواره

دچار اختلاف نظر بوده‌اند؛ از تبیین گونه ساختاری تک‌چندقطبی توسط هانتینگتون تا چهارقطبی توسط بوزان و ویور تا بی‌قطبی توسط ریچارد هاس. با وجود این، نوعی اجماع نظری وجود دارد مبنی بر اینکه نظم ساختاری جدیدی در جهان در حال ظهور است که به موجب آن سلطه هژمونیک امریکا دچار بحران شده و «لحظه تک‌قطبی» روبه پایان است. قدرت‌های جدیدی ظهور کرده‌اند که نقش رهبری سنتی قدرت هژمون را دست‌خوش تحول می‌سازند و جهان را به سوی نظم جدید «در حال گذار» سوق می‌دهند. براساس نظریه گذار، مرحله گذار موقتی بوده و طی آن نظم مستقر روبه افول رفته، اما هنوز نظم جدید نیز شکل نگرفته و تا رسیدن به مرحله بنیان‌سازی نظام بین‌الملل جدید فاصله است؛ بنابراین، دوره گذار به نظم ساختاری نامتعیّن در حدّ فاصل نظم مستقر موجود که کارآیی خود را از دست داده و نظم جدید که هنوز جایگزین نشده، اطلاق می‌گردد. ویژگی بارز این دوره آن است که در عین حال که بازیگران بین‌المللی در حالت بلا‌تکلیفی به سر می‌برند، اما تلاش می‌کنند تا نظام بین‌الملل را براساس خواست‌ها و تمایلات خود شکل دهند. از این رو، نظام بین‌الملل در حال گذار به متغیر تابعی از بازیگران اصلی به‌ویژه بازیگران قدرتمند نوظهور تبدیل می‌شود (Bridges, 2004).

مطابق این نظریه، ضمن اینکه گونه ساختاری و قطبیت بین‌المللی فاقد تعین لازم است و ثبات هژمونیک در حال زوال به‌نظر می‌رسد، طیفی از الگوها و رویه‌های تعاملی نیز میان قدرت قدیم (هژمون مستقر) و قدرت جدید (هژمون نوظهور) شکل می‌گیرد؛ از همکاری جویی تا رقابت‌گرایی تا هم‌آوردجویی، تنش و تعارض. رقابت و هم‌آوردطلبی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک میان این دو دسته از قدرت‌ها به رویه تعاملی رایج و غالب تبدیل می‌شود. نتیجه چنین ساختار نامتعیّنی که قدرت‌های قدیم و جدید در چارچوب هم‌آوردجویی و تعارض در حال تلاش برای پی‌ریزی و تثبیت نظم موردنظر خود هستند، ابهام، پیش‌بینی‌ناپذیری و عدم قطعیت گسترده به خصیصه نظام بین‌الملل در حال گذار تبدیل می‌شود (Tammen and et.al, 2017). بر این اساس، مناسب‌ترین چارچوب نظری که نظم بین‌الملل فعلی را تبیین می‌کند، نظریه «دوره گذار» است.

برپایه نظریه «نظام بین‌الملل دوره گذار» ادبیات نئورئالیستی برآورنده استلزامات تئوریک

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۳۵

مقاله است. از دیدگاه نئورئالیست‌ها، ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمون دیگر از امکان تداوم نقش رهبری در سیاست بین‌الملل و پیگیری اهداف مبتنی بر لیبرالیسم مداخله‌گرایانه برخوردار نیست. نظریه‌پردازان نئورئالیست در تبیین تئوریک نظم بین‌المللی در حال گذار از دیدگاه‌های مختلف به تحلیل الگوی رفتاری بین‌المللی هژمون رقیب (چین) استناد جسته‌اند. گروهی از صاحب‌نظران، ارزیابی خود را بر احتمال ظهور چین به‌عنوان یک «هژمون طرفدار حفظ وضع موجود» متمرکز ساخته‌اند. آن‌ها بعد از مطالعه مشارکت چندجانبه چین در سازمان‌های بین‌المللی و اولویت‌دهی به بازسازمان‌دهی مدل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به این باور رسیده‌اند که چین به‌دنبال تجدیدنظر در وضع موجود نیست (Tan Alastair, 2003: 5-56). این اندیشمندان برپایه تجزیه و تحلیل توانمندی‌ها و بی‌اطمینانی‌های چین در حوزه‌های اقتصادی و نظامی، این کشور را تهدیدی برای نظم بین‌المللی تلقی نمی‌کنند (Al-Rodhan, 2007: 41-66).

از سویی دیگر، برخی اندیشمندان جایی برای قدرت‌های طرفدار وضع موجود در نظام بین‌الملل قائل نیستند. آن‌ها معتقدند که قدرت هژمون رقیب (ازجمله چین)، بیش از آنکه دست به توافق‌های همکاری‌آمیز بزنند، به اتخاذ اقداماتی روی می‌آورند که سهم آن‌ها را از قدرت در مقایسه با سایر دولت‌ها به حداکثر برساند و این افزایش قدرت به ضرر دولت‌های رقیب و به‌طور مشخص هژمون مستقر و متحدانش است. از این منظر، «هدف نهایی هر دولت تبدیل شدن به هژمون تجدیدنظرطلب در نظام بین‌الملل است» (Mearsheimer, 2001: 21).

مرشایمر می‌پذیرد که پیشینه‌سازی قدرت با هدف کسب موقعیت هژمونیک جهانی، بسیار دشوار و غیرممکن است. از این رو، قدرت‌های بزرگ سودای هژمون‌شدگی در منطقه خود را دارند و در عین حال، از هم‌ترازی و هژمون‌شدگی سایر قدرت‌های بزرگ در مناطق مربوطه‌شان جلوگیری می‌کنند. مرشایمر آمریکا را یک هژمون منطقه‌ای می‌پندارد نه هژمون جهانی؛ هژمون منطقه‌ای که برپایه استقرار هژمونی خود، درصدد جلوگیری از هژمونی سایر قدرت‌ها در سایر مناطق برمی‌آید (Mearsheimer, 2006). سند امنیت ملی ۲۰۲۱ آمریکا

موسوم به «راهنمای موقت استراتژی امنیت ملی» اذعان می‌دارد «تقسیم قدرت جهانی تغییر یافته و تهدیدات جدیدی متوجه آمریکا شده است» (Interim National Security Strategic Guidance, 2021/03/03). این دیدگاه که نظام بین‌الملل را در معرض نوعی بازتوزیع قدرت می‌بیند، به‌طور عمده چین را تهدید اصلی هژمونیک می‌پندارد.

گروه اول، گسترش قدرت نظامی و اقتصادی چین را جایگزینی برای تفوق منطقه‌ای روسیه و ژاپن می‌دانند و گروه دوم درباره تهدید چین این‌گونه پیش‌بینی می‌کنند: «بدیهی است که خطرناک‌ترین سناریوی فراروی آمریکا در قرن ۲۱ آن است که چین در آسیای شرقی به یک قدرت هژمون تبدیل شود. البته چشم‌انداز تبدیل چین به یک هژمون بالقوه تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا نوسازی اقتصادی این کشور با سرعت به رشد خود ادامه خواهد داد یا خیر. اگر این رخ دهد و چین نه تنها به تولیدکننده اصلی فناوری بدون مرز، بلکه به ثروتمندترین قدرت بزرگ در جهان بدل گردد، این کشور مطمئناً از ثروت خود برای ساخت یک ماشین نظامی بسیار توانمند استفاده خواهد کرد. افزون بر این، به دلایل استراتژیک این کشور مطمئناً استراتژی هژمونی منطقه‌ای را تعقیب خواهد کرد، درست همان‌گونه که ایالات متحده در نیمکره غربی در قرن نوزدهم هژمونی منطقه‌ای را دنبال کرد.» (Mearsheimer, 2001: 401).

طرفداران «تئوری تهدید چین» در مناظره پیش‌گفته، «صعود مسالمت‌آمیز» چین را نامطلوب می‌دانند و چین ابرقدرت را تهدیدی برای نظام بین‌الملل موجود می‌پندارند. جهان غرب به صعود چین با نگرانی و بی‌اطمینانی می‌نگرد، چراکه معتقدند نوسازی نظامی، رشد اقتصادی سریع و افزایش شدت تقاضای انرژی انرژتی حکایت از «تهدید چین» و تعقیب جاه‌طلبی‌های هژمونیک آن دارد. «چین برپایه احساسات ملی‌گرایانه، اشتیاق برای رهایی از مصائب گذشته و تأکید بر قدرت بین‌المللی به دنبال جایگزین شدن به جای آمریکا به‌عنوان قدرت مسلط در آسیا است» (Bernstein, 1997: 19). رابرت کاگان براساس شواهد تجربی اظهار می‌دارد که «تاریخ قدرت‌های نوظهور ... و «مدیریت» قدرت‌های مستقر جایی برای اطمینان و آرامش خاطر باقی نمی‌گذارد. به ندرت قدرت‌های نوظهور بدون تحریک یا راه‌اندازی یک جنگ بزرگ که به تغییر نظام بین‌الملل انجامیده و واقعیات جدید قدرت را

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۳۷

بازتاب داده، ظهور کرده‌اند». کاگان از این هم فراتر می‌رود و می‌گوید که چین «همانند همه قدرت‌های نوظهور گذشته، از جمله ایالات متحده، قصد دارد تا نظام بین‌الملل را متناسب با هدف خود تغییر دهد» (Kagan, 2005).

کنت والتز پیش‌بینی کرد که «چین حتی بدون تلاش سخت به‌عنوان یک قدرت بزرگ ظهور خواهد کرد مادامی که از نظر سیاسی منسجم و توانمند باقی بماند» (Waltz, 2001: 32). بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران نه‌تنها مفهوم «صعود مسالمت‌آمیز» را رد کرده‌اند، بلکه استراتژی‌های مختلفی را برای «مهار^۱» چین پیشنهاد کرده‌اند (Krauthammer, 1995: 72). از این منظر، چین در آینده قابل پیش‌بینی نیز تهدید امنیتی بزرگی خواهد بود و از این رو، سیاست هم‌گراسازی چین در نظام سیاسی و اقتصادی بین‌الملل بی‌فایده و خطرناک است، زیرا این کشور تجدیدنظرطلب بوده و به‌دنبال کسب موقعیت هژمونیک در منطقه است. در مجموع، «اغلب نظریه‌پردازان بر نیات و توانمندی‌های چین متمرکزند، اما اصلی‌ترین جزء مناظره «تهدید چین» ترجمان قدرت اقتصادی چین به قدرت نظامی و ارزیابی قدرت نظامی فراگیر این کشور در آینده در مقایسه با قدرت نظامی امریکا و سایر قدرت‌های منطقه‌ای آسیای شرقی است» (Christensen, 2001: 5) که شکاف در حال کاهش می‌دهد.

در این چارچوب سیستمی در حال گذار، توافق‌نامه‌های راهبردی در سال‌های اخیر به یکی از سازوکارهای ترجمان قدرت اقتصادی به نفوذ سیاسی و ابزار اصلی سیاست خارجی چین تبدیل شده و سه عامل به شبکه مشارکت آن شکل داده‌اند؛ ضرورت مقابله با فشار ایالات متحده به‌عنوان هژمون مستقر؛ نیاز به حفظ صلح و ثبات در امتداد مرزهای خود و تمایل به دستیابی به هدف بلندمدت نوسازی (Li, 2019: 2-3). در حالی که دیپلماسی اقتصادی چین به‌موجب این توافق‌ها در ابتدا بر قدرت‌های بزرگ و همسایگان متمرکز بود، تمرکز جغرافیایی از ابتدای قرن ۲۱ به‌طور قابل توجهی گسترش یافته و معطوف به توسعه روابط دوجانبه با کشورهای مهم در جنوب و جستجوی شرکا در تمام مناطق جهان شده است (Gill, 2007: 58).

بر این اساس، چند متغیر در تلاقی دیپلماسی اقتصادی ایران و چین در «دوره گذار» نقش اساسی دارند: از یک سو متغیرهای موضوعی مانند نیازمندی‌های اقتصادی چین به منابع انرژی و جستجوی بازارهای جدید برای صادرات و سرمایه‌گذاری؛ نیازمندی ایران به فناوری و سرمایه و از سوی دیگر، متغیرهای سیستمی شامل تغییر نظم بین‌المللی؛ تشدید دشمنی چین و ایران با آمریکا در قالب تجدیدنظرطلبی و تشدید تحریم‌های ضد ایرانی. این متغیرها در پیوند دادن این دو وجه از دیپلماسی تهران و پکن و رسیدن به توافق مشارکت جامع راهبردی مؤثر بوده‌اند. براساس تحلیل‌های تئوریک پیش‌گفته می‌توان ادعان داشت که دگرذیسی‌های بالفعل و بالقوه در سیاست بین‌الملل، تغییر موقعیت چین در نظم بین‌المللی و تغییر موقعیت ایران در نظم منطقه‌ای موجب می‌شوند تا پیشبرد اهداف ایران از راه کاربست دیپلماسی اقتصادی هم فرصت‌هایی برای تأمین و هم چالش‌هایی برای رویارویی بیابد.

۴. اقتضائات و ضرورت‌های ایران و چین در نظام بین‌الملل «در حال گذار»

شرایط ساختاری متحول و سیال نظام بین‌الملل محدودیت‌هایی بر قدرت‌های نوظهور همچون چین و قدرت‌های منطقه‌ای همانند ایران اعمال می‌کند. تحت فشارهای ساختاری، ایران و چین دارای اقتضائات و نیازمندی‌های هستند که آن‌ها را به ضرورت هم‌سویی و هم‌گرایی سوق می‌دهد. این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری توافق مشارکت جامع راهبردی ایران و چین است که بر اقتضائات و ضرورت‌های متقابل دلالت دارد.

۴-۱. اقتضائات و ضرورت‌های اقتصادی

براساس نظریه «دوره گذار» هژمون مستقر همواره مترصد مقابله با هژمون رقیب و سایر بازیگران قدرتمند منطقه‌ای چالش‌گر که نظم هژمونیک را برنمی‌تابند، است تا از این طریق، روند افول موقعیت خود را از حرکت بازدارد و یا به تعویق اندازد. از مهم‌ترین جلوه‌های تقابل‌گرایی قدرت هژمون استفاده از ابزار تحریم است که طی سال‌های اخیر کاربرد گسترده‌ای در سیاست خارجی ایالات متحده یافته؛ به گونه‌ای که بر تعداد کشورهای هدف تحریم افزوده شده است. ایران و چین دو کشوری هستند که در معرض تحریم‌های آمریکا واقع شده‌اند. اگرچه میزان اثرپذیری آن‌ها از تحریم‌ها تابعی از اندازه و توان اقتصادی‌شان

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۳۹
بوده و از این رو، بسیار متفاوت از یکدیگر است، اما نوعی ضرورت مشترک در برابر هژمون
مستقر احساس می‌کنند.

ایران تحت فشار ناشی از تحریم‌های چنددهه‌ای که در سال‌های اخیر به واسطه منازعه
هسته‌ای شدت یافته، مسیر آسیاگرایی را در قالب «سیاست نگاه به شرق» برگزیده است.
با وجود انتظار گشایش اقتصادی بعد از برجام، اما با اجرای سیاست ترامپ در اعلام خروج
یک جانبه از این توافق، نه تنها گشایشی حاصل نشد، بلکه ایران در برابر کارزار «فشار
حداکثری» و وضع تحریم‌های جدید قرار گرفت. در شرایط تصاعد روزافزون فشارهای
اقتصادی، تهران راهبرد جبرانی تحریم‌شکنی را از مسیر آسیا اتخاذ کرد و جهت سیاست
خارجی خود را بیش از گذشته معطوف به چین ساخت (Scita, 2022: 89-87).

نگاهی کوتاه به نقشه روابط تجاری ایران در شرایط کنونی نشان می‌دهد که چین با
اختصاص «تقریباً ۳۰ درصد تجارت خارجی ایران به خود» (ایسنا، ۱۴۰۱/۵/۱۱)، با فاصله
بسیار زیاد نسبت به سایر کشورها، شریک اول اقتصادی و تجاری ایران است.^۱ چین
مهم‌ترین منبع تأمین نیازهای فناورانه و صنعتی، مهم‌ترین خریدار نفت و تنها کشوری است
که در شرایط تصاعد فشارهای تحریمی، سیاست حفظ گشودگی حواشی اقتصاد خود برای
ایران را برگزید. از سوی دیگر، چین براساس دکترین «صعود مسالمت‌آمیز» ارتقای سطح
کنش‌گری و نقش‌آفرینی اقتصادی را با حضور در مناطق مختلف به ویژه مناطق استراتژیک
همانند خلیج فارس دنبال می‌کند. با توجه به بالابودن شدت انرژی در صنایع چین، تأمین و
تضمین امنیت عرضه انرژی از شاکله‌های اصلی استراتژی توسعه اقتصادی این کشور
به‌شمار می‌آید.

بر همین اساس می‌توان بسط روابط اقتصادی پکن را با کشورهای نفتی منطقه مانند
ایران و عربستان سعودی ریشه‌یابی کرد. در توضیح مطلب باید افزود که نقش ایران در این
زمینه افزون‌تر است، زیرا چینی‌ها به‌درستی از ظرفیت و قابلیت ایران در تأثیرگذاری بر
ثبات و امنیت منطقه آگاه‌اند و از این رو، تمایل به تقویت نقش ثبات‌ساز ایران در منطقه

۱. این در حالی است که سهم ایران از اقتصاد چین تنها به ۰/۱ درصد می‌رسد.

دارند تا از رهگذر آن عرضه انرژی در معرض تأمین و تضمین قرار گیرد؛ بنابراین، گسترش روابط با تهران بر مبنای توافق ۲۵ ساله، برآورنده این بخش از نیات چین خواهد بود. افزون بر این، پکن به دنبال ایجاد یک «زنجیره ارزش جهانی» چین محور در آسیا است و از این دیدگاه، مگاپروژه «ابتکار کمربند و راه» نیز در قالب یک سیاست کلان‌تر می‌گنجد. از آنجاکه این برنامه‌های کلان، شمار فراوانی از کشورها و مناطق را دربر می‌گیرند، طبعاً ایران به دلیل موقعیت اقتصادی و جغرافیایی از اهمیت بالایی برای چینی‌ها برخوردار می‌گردد. اگرچه تا به امروز جایگاه ایران در کریدورهای «ابتکار کمربند و راه» همچنان دچار ابهام است، اما این از اهمیت اقتصادی ایران در استراتژی کلان چین نمی‌کاهد.

۴-۲. اقتضائات و ضرورت‌های سیاسی

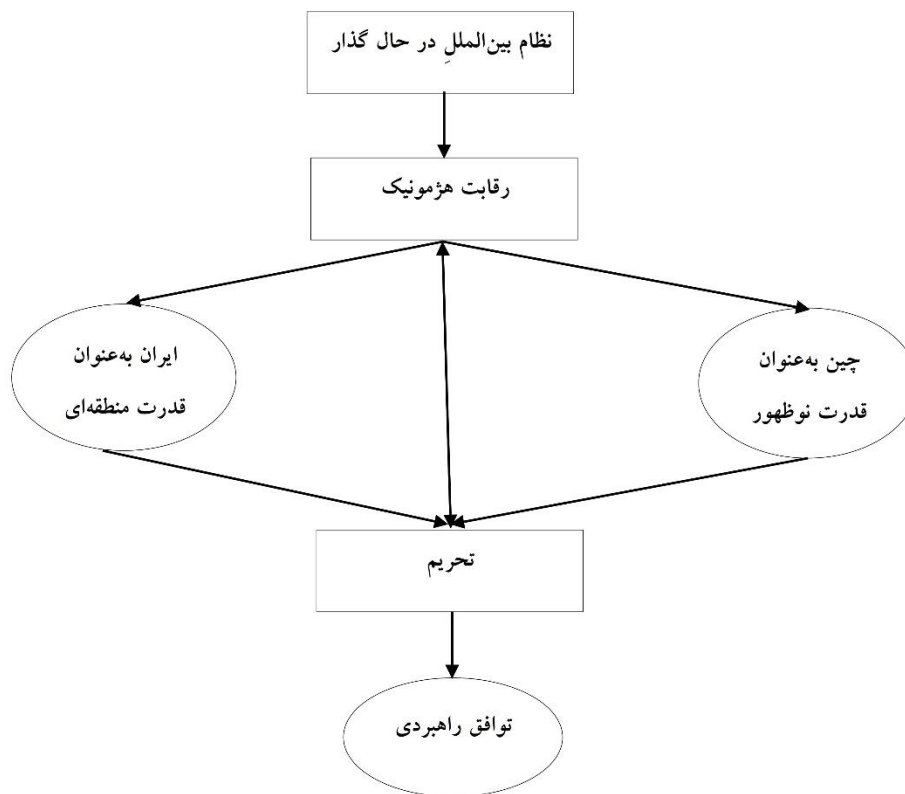
فشارهای سیستمی در دوره گذار از ابعاد سیاسی نیز برخوردار است. چین به‌عنوان هژمون در حال ظهور و ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای ضد هژمون به شیوه‌های گوناگون در معرض محدودیت‌های سیاسی از جانب هژمون مستقر قرار دارند. تحت تأثیر اقتضائات و ضرورت‌های سیاسی، نزدیکی بیشتر ایران و چین در چارچوب توافق ۲۵ ساله قابل تبیین به‌نظر می‌رسد.

در یک سوی سند توافق، ایران قرار دارد که به دلیل تقابل ساختاری درازمدت در نظام بین‌الملل با خلأ متحد استراتژیک مواجه است. از آنجاکه تقابل گری ساختاری مستلزم و متضمن موازنه سازی برون‌گراست، ایران به کشوری قدرتمند در قامت جهانی نیاز دارد تا این توازن را برقرار سازد. از این دیدگاه، چین بازیگر مناسبی ارزیابی می‌گردد که هم از توان و هم از اراده لازم برای موازنه سازی در برابر ساختار امریکامحور در نظام بین‌الملل برخوردار است. در سوی دیگر توافق‌نامه، چین قرار دارد که مسیر قدرت‌یابی خزنده را طی کرده، به‌عنوان یک قدرت در اندازه‌های جهانی ظهور کرده و رقیبی جدی و چالش‌گر برای امریکا به‌شمار می‌رود. نظریه جهان‌پسا امریکایی نیز دلالت بر این دارد که چین به‌طور اجتناب‌ناپذیری مهم‌ترین و جدی‌ترین چالش آمریکا خواهد بود (زکریا، ۱۳۹۹).

بدین‌سان، روشن است که دو کشور در بستر نظام بین‌الملل «در حال گذار» در تعقیب

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۴۱

اهداف «ضد هژمونیک‌گرایی» با یکدیگر هم‌داستان و همراه‌اند و بر همین اساس، آماج سیاست مهار از جانب امریکا واقع شده‌اند. شکل زیر ضرورت‌های ساختاری که ایران و چین را به سوی هم‌سویی بیشتر در قالب توافق مشارکت جامع راهبردی سوق داده است، ترسیم می‌کند.



شکل ۱. ضرورت‌های ساختاری ناظر بر توافق ایران و چین

۵. فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در پرتو توافق با چین

۵-۱. تسهیل زیرساخت‌های ارتباطات و اطلاعات

متن سند در بخش‌های مختلف به تقویت و تسهیل زیرساخت‌های ارتباطی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی و اولویت‌های اجرایی اشاره دارد (Full text of Joint Statement on Comprehensive Strategic Partnership between I.R. Iran, P.R. China). بر این اساس،

گسترش پیوندهای زیرساختی و بهینه‌سازی شبکه‌های ارتباطی می‌تواند در دستور کار دستگاه‌های فعال در حوزه دیپلماسی اقتصادی قرار گیرد. زیرساخت‌های ارتباطی در حوزه ترانزیت مستلزم شکل‌گیری مکانیسم هماهنگ برای مدیریت طرح‌های ترانزیتی و حمل‌ونقل در ایران با تصدی وزارت راه و شهرسازی است.

ایران و چین در این زمینه همکاری خود را از قبل شروع کرده‌اند و درباره پروژه‌هایی مانند راه‌آهن سریع‌السیر تهران-قم-اصفهان و تأمین فاینانس و انجام ۴۰٪ عملیات اجرایی توسط شرکت چینی (آزادانی، ۱۳۹۵)؛ برقی کردن راه‌آهن تهران-مشهد و تأمین فاینانس از خط اعتباری چین به توافق رسیده‌اند. نیاز ایران به ایجاد و بازسازی تأسیسات و زیرساخت‌های حمل‌ونقلی با برآورد ده‌ساله سرمایه‌گذاری هر سال ۱۴/۵ میلیارد دلار در بخش جاده‌ای (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴)، ۲۵ میلیارد دلار در بخش ریلی و ۵۵ فرودگاه نیازمند بازسازی (ایرنا، ۱۳۹۴) از یک سو و ظرفیت بالای شرکت‌های چینی در این زمینه از سویی دیگر، منافع مشترک مهمی میان دو کشور پدید آورده که در چارچوب سند مشارکت فرصت تحقق و تأمین می‌یابد. وجود زیرساخت‌های حمل‌ونقلی مناسب نقش مهمی در تقویت جایگاه ترانزیت ایران برای تجارت چین خواهد داشت؛ مزیتی که در ابتکار کمربند و راه نیز محل تأمل و بهره‌برداری است.

همکاری در زمینه فناوری و ارتباطات راه دور، نسل پنجم ارتباطات از راه دور، پروژه‌های مشترک توسعه و تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و همچنین ساخت شهرهای هوشمند در سواحل مکران بخشی از چارچوب توافق است (Full text of Joint Statement on Comprehensive Strategic Partnership between I.R. Iran, P.R. China)؛ بنابراین، یکی از فرصت‌های تعامل با چین، سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت داده بین‌المللی است. طبق برنامه ششم توسعه باید تا انتهای سال ۱۴۰۰ کشور به سهم ۳۰ ترا بیت بر ثانیه از بازار تبادل داده و ترانزیت داده بین‌الملل برسد؛ اما در شرایط فعلی سهم کشور ما از این بازار کمتر از ۵ ترا بیت بر ثانیه است (احمدلو، ۱۴۰۰).

حجم بالای سرمایه مورد نیاز ایران برای توسعه زیرساخت کابل‌های فیبر نوری فرامرزی و شبکه نسل پنجم موبایل، بهبود مسیرهای انتقال اطلاعات ماهواره‌ای و توسعه

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۴۳

فناوری هوش مصنوعی و همچنین تمایل چین به سرمایه‌گذاری بیشتر در کشورهای جنوب، فرصت مناسبی برای گسترش همکاری‌ها و مبادلات اطلاعاتی دو کشور ایجاد می‌کند.

در این راستا، ایجاد روابط پایدار میان شرکت‌ها و مراکز آموزش عالی ایرانی و چینی گزینه‌ای ممکن و مطلوب است. با توجه به اهمیت انتقال فناوری، شرکت‌های ایرانی می‌توانند براساس ساختارهای مشخصی مانند قراردادهای آفست (تعادلی)، فرانسیز، مشارکت مدنی (جوینت ونچر) و بیع متقابل به بستن قراردادهای تجاری اقدام کنند. این ساختارها می‌باید به گونه‌ای تنظیم شوند که دانش و فناوری‌های تجاری را در زمان انجام پروژه، به شرکت‌های داخلی منتقل کنند (صمدی‌نیا، ۱۴۰۰).

۵-۲. گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری

از دیگر اهداف و اولویت‌های توافق کاهش موانع تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه است که بر سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری ایران، بهبود موازنه تجاری، همکاری‌های گمرکی و ایجاد مراکز تجاری خدمات‌محور با گستره عملکرد منطقه‌ای تأکید کرده است. افزون بر این، گسترش همکاری در اتصال زیرساخت‌های انرژی، سرمایه‌گذاری متقابل دو کشور در حوزه انرژی، سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، تضمین عرضه و امنیت جریان انرژی، گسترش مناطق سرمایه‌گذاری مشترک، گسترش همکاری‌های صنعتی از جمله در صنایع نوین مانند صنایع جدید فناوری اطلاعات و بیوتکنولوژی نیز مورد اشاره سند بوده (Full text of Joint Statement on Comprehensive Strategic Partnership between I.R. Iran, P.R. China) که فرصت‌های قابل‌تأملی به روی دیپلماسی اقتصادی ایران می‌گشاید.

اگرچه تحریم‌های آمریکا بر تجارت ایران و چین تأثیر منفی نهاده، اما چین همچنان بزرگ‌ترین شریک تجاری و سرمایه‌گذار خارجی در ایران است. نظر به اینکه در حوزه گسترش مبادلات تجاری، زمینه‌های همکاری میان دو کشور موجود است، سند مشارکت می‌تواند ظرفیت‌های موجود در این حوزه را فعال سازد. چین نخستین شریک تجاری ایران به شمار می‌آید. حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار بوده است که البته در مقایسه با سال قبل روند کاهشی را نشان می‌دهد (مرکز پژوهش‌های اتاق

ایران، ۱۴۰۰: ۱۳). با وجود این، در این سال ۲۶٪ از کل حجم تجارت خارجی ایران با چین بوده است.

تراز تجاری دو کشور در این مدت به میزان ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار به نفع چین بوده است. افت قیمت نفت، تحریم‌های آمریکا و کاهش مصرف سوخت در چین به دلیل شیوع کرونا از جمله عوامل افت ارزش واردات چین از ایران طی سال ۲۰۲۰ بوده است. مقایسه آمار تجارت چین با ایران نسبت به کل تجارت این کشور نشان می‌دهد ایران با اختصاص ۰,۳۴ درصد از مجموع تجارت خارجی ۲۹۶,۳ میلیارد دلاری چین با دنیا در ۹ ماهه ۲۰۲۰ رتبه ۴۹ داشته است (World Bank, 2021). از سویی دیگر، ایران دارای منابع غنی انرژی، بازار پرجمعیت ۸۰ میلیونی و نیازمند سرمایه‌گذاری کلان ۵۰۰ میلیارد دلاری طی ده سال آینده است. طبق اعلام وزارت بازرگانی چین، تنها در سال ۲۰۱۹ قراردادهایی به ارزش ۳,۴۱ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در ایران به امضای طرفین رسیده است (ایسنا، ۱۴۰۰).

از دیگر ظرفیت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری میان دو کشور در حوزه انرژی است. ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی و چین یکی از پرشدت‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است. از میانه دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۰ جایگاه ایران در تأمین نفت مورد نیاز چین کلیدی بود، به گونه‌ای که ایران یکی از سه تأمین‌کننده اصلی نفت مورد نیاز چین محسوب می‌شد و حدود ۱۳ درصد از نفت وارداتی آن را تأمین می‌کرد؛ اما با آغاز تحریم‌ها، جایگاه ایران در سبد انرژی چین به صورت محسوس کاهش یافت (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران: ۱۴۰۰: ۸). در چنین شرایطی، توافق می‌تواند صادرات نفت و توسعه زیرساخت‌های انرژی ایران را به طور نسبی تضمین کند. مبادلات انرژی و نفت میان دو کشور نه بر پایه دلار آمریکا که بر پایه ارزهای ملی مدنظر دو طرف است. این ابتکار اقتصادی، می‌تواند به کاهش انزوای ایران در نتیجه تحریم‌ها کمک کند (Uzun, 2021). افزون بر این، باید توجه داشت که ایران تنها کشور منطقه است که می‌تواند نیازهای انرژی چین را هم از دریا و هم از خشکی تأمین کند. اگرچه در حال حاضر، مبادلات انرژی ایران با چین عمدتاً از دریا انجام می‌پذیرد، اما آسیای مرکزی و پاکستان دو مسیر خشکی بالقوه هستند

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۴۵

که می‌توانند منابع انرژی ایران را به چین متصل کنند (Chaziza, 2020: 174).

افزون بر تجارت انرژی، ظرفیت‌های فراوانی برای جذب سرمایه و فناوری چینی در حوزه زیرساخت‌های انرژی ایران فراهم است. چنان‌که ایران نیازمند سرمایه‌گذاری سالانه ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت و ۳۰ میلیارد دلار در صنعت پتروشیمی است (وزارت نفت، ۱۴۰۰). این نیازمندی سرمایه از آنجا اهمیت می‌یابد که ایران تنها کشور در غرب آسیا است که امکان تأمین نیازهای انرژی چین از دو مسیر خشکی و دریایی دارد. اگرچه در شرایط موجود نفت ایران از راه دریا به چین صادر می‌شود و «تسلط ایران بر ۱۲ مایل تنگه هرمز منجر به ارتقای جایگاه تهران در راهبرد امنیت انرژی چین شده» (جانسیز، ۱۳۹۸: ۱۰۷)، اما با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اتصال انرژی ایران امکان صادرات از خاک پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی نیز فراهم می‌گردد. کما اینکه ایران تاکنون زیرساخت‌های انرژی خود را به ترکمنستان، ترکیه و پاکستان متصل ساخته است؛ بنابراین، گسترش این همکاری با سرمایه‌گذاری چین می‌تواند ظرفیت‌های همکاری اقتصادی را فعال سازد. افزون بر این، هرگونه گسترش همکاری میان چین و کشورهای دیگر که وابستگی دریایی چین را کمتر کند، برای پکن روزنه‌ای است که می‌تواند محدودیت‌های گلوگاهی و استراتژیکی آن را کاهش دهد.

در مجموع، ایران به‌عنوان طرف سرمایه‌پذیر خواستار آن است که انتقال سرمایه به‌دنبال خود به انتقال فناوری نیز بینجامد. چین به‌عنوان طرف سرمایه‌گذار نیز به‌دنبال گسترش دسترسی خود به سایر مناطق و فرصت‌های جدید برای تجارت و سرمایه‌گذاری است (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

۳-۵. همکاری مالی و بانکی

از دیگر فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی بهره‌گیری از توافق با چینی‌ها در ارتقای همکاری‌های مالی، بانکی و بیمه‌ای است. اهمیت مسئله از آنجاست که مبادلات مالی و بانکی نقش کلیدی در تکوین و تقویت همکاری در سایر حوزه‌های اقتصادی دارد. در سند توافق، استفاده از ارزهای ملی، ایجاد سازوکار تسویه مالی-تجاری دوجانبه به‌منظور

گسترش روابط تجاری، توافق‌های سوآپ پولی، تأمین مالی طرح‌های زیربنایی و مبادلات تجاری از راه اعطای خطوط اعتباری، توافق با مؤسسات تأمین اعتبار چینی، استفاده از صندوق جاده ابریشم و بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیایی و ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

در این حوزه، چالش‌های فراروی همکاری دو کشور فرصت‌های هم‌گرایی مالی و بانکی دوجانبه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با وجود این، دیپلماسی اقتصادی ایران از فرصت‌هایی بر ایجاد گشایش نسبی و محدود مالی و بانکی در پرتو دیپلماسی مشارکتی چین برخوردار است. بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیایی می‌تواند نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های مشترک ایران و چین به‌موجب توافق راهبردی ایفا کند. ایران در ژوئن ۲۰۱۵ اسناد الحاق به این بانک را امضاء کرد و در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان عضو مؤسس به بانک ملحق شد (AIB, 2017). بنابراین، دیپلماسی اقتصادی از فرصت نهادی در حوزه‌های مالی برای بهره‌برداری از موقعیت ایران به‌عنوان یکی از مؤسسان اصلی و سهام‌داران عمده بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیایی برخوردار است.

یکی از اهداف این بانک، اجرای طرح‌های زیربنایی مرتبط با جاده ابریشم نوین است. گزارش ابتدایی بانک، میزان سهم ایران از «سرمایه اولیه» تأسیس بانک را ۱,۵۸۰/۸ میلیون دلار معادل ۱/۶۳ درصد از کل سرمایه اولیه اعلام کرده است. این رقم در میان اعضای منطقه ای بانک جایگاه نهم و در میان مجموع اعضا جایگاه پانزدهم را به ایران اختصاص داده است. اینک، با امضای توافق، فرصت سرمایه‌گذاری بیشتر برای ایران فراهم شده تا به یک عضو تأثیرگذار در این بانک تبدیل شود. قدرت رأی ایران در حال حاضر ۲/۲۳ درصد است (AIB, 2017)، در حالی که این رقم با توجه به اهمیت کشورمان در معادلات منطقه‌ای قطعاً می‌تواند بیشتر باشد. چنانچه جایگاه ایران در بانک تقویت شود، می‌توان از سرمایه آن جهت پیش‌برد پروژه‌های زیربنایی، از جمله برای توسعه سواحل مکران و بنادر استراتژیک کشور به‌خصوص در جنوب (مورد تأکید سند توافق) و ایجاد زیرساخت‌ها در استان‌های شمال شرقی استفاده کرد.

۵-۴. مشارکت ایران در ابتکار کمربند و راه

از دیگر فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران به‌موجب سند مشارکت، بازنشانی و روشن‌سازی جایگاه ایران در ابتکار کمربند و راه است. در این راستا، سند بر تأسیسات زیرساختی ایران اعم از بزرگراه، خط‌آهن و اتصالات دریایی و هوایی، مشارکت در کریدورهای جنوب-شمال (بندر چابهار-آسیای مرکزی) و جنوب-غرب (چابهار و بندعباس-ترکیه-جمهوری آذربایجان)، کریدور خط‌آهن زیارتی پاکستان، ایران، عراق و سوریه، تکمیل خط‌آهن ملی شرق-غرب ایران، انتقال منابع انرژی ایران از کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)، مشارکت و سرمایه‌گذاری در خطوط انتقال انرژی برق و صادرات آن در منطقه از راه راه‌اندازی کریدور شرق-غرب ایران و همچنین ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جاده ابریشم تأکید کرده است (Full text of Joint Statement on Comprehensive Strategic Partnership between I.R. Iran, P.R. China).

ایران در چند زمینه اصلی می‌تواند در ابتکار کمربند و راه حضور مؤثر داشته باشد. در حوزه نهادی، افزون بر افزایش سهم و سرمایه ایران در بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیایی، می‌توان از صندوق راه ابریشم نیز که در سال ۲۰۱۴ با ۴۰ میلیارد دلار سرمایه اولیه در چین با کارویژه سرمایه‌گذاری و حمایت مالی از همکاری‌های تجاری-اقتصادی و توسعه ارتباطات میان کشورها در قالب پروژه‌های مرتبط با این ابتکار به ثبت رسید، استفاده کرد (Silkroadfund, 2019). امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های سرمایه‌ای این صندوق جهت پیشبرد پروژه‌های مختلف صنعتی، تجاری و زیربنایی ایران فراهم است. شریک‌سازی صندوق در سهام برخی پروژه‌ها می‌تواند محور فعالیت دیپلماسی اقتصادی واقع شود. در این زمینه ضروری است که بسترهای اقتصادی و حقوقی لازم فراهم شود تا دیپلمات‌ها با اتکا به وجود زمینه‌های مناسب در داخل به رایزنی با چینی‌ها بپردازند.

دیپلماسی اقتصادی ایران در حوزه ترانزیت، این فرصت را دارد تا از راه هماهنگی با دستگاه‌های فعال در امور زیرساختی و حمل‌ونقل به رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای مسیر به‌ویژه چین و کشورهای آسیای مرکزی جهت گسترش راه‌های ارتباطی و کریدورهای تجاری بپردازد. از آنجاکه موقعیت جغرافیایی در مرزهای شمالی ایران، اقتضای

برقراری ارتباطات خشکی و آبی را دارد، می‌توان بر محورهایی مانند ایجاد کریدورهای بین‌المللی جدید تجاری در دریای خزر متمرکز شد. کریدور تجاری که در مسیر ارومچی چین، اکتائو قزاقستان و منطقه آزاد انزلی راه‌اندازی شده، از جمله طرح‌هایی است که می‌تواند مورد بهره‌برداری ابتکار کمربند و راه نیز واقع شود.

ایجاد پیوند میان کریدور جنوب-شمال و کریدور شرق-غرب مدنظر ابتکار کمربند و راه مزیت دیگری است که می‌تواند محور دیپلماسی ترانزیتی کشور واقع شود. کریدور جنوب-شمال، اقیانوس هند را به آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه و اروپا متصل می‌کند و در ایران دو مسیر اصلی دارد؛ یک مسیر از چابهار به بندر امیرآباد در شمال ایران و دیگری از بندرعباس به بندر انزلی و آستارا که البته هنوز نهایی نشده است. بدین ترتیب با تکمیل طرح‌های بزرگراهی و ریلی در استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، رضوی و شمالی زمینه لازم برای راینزی دیپلماتیک جهت جلب اعتماد چینی‌ها و سایر کشورهای مسیر جاده ابریشم فراهم می‌گردد.

۵-۵. خنثی‌سازی و کاهش اثر تحریم‌ها

تحریم ایران طی یک فرایند پرفراز و فرود، در چند سال گذشته شدت بیشتر و گستره وسیع‌تری یافته است. دولت امریکا از یک‌سو استمرار تحریم‌های از پیش موجود علیه جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر استقرار تحریم‌های جدید را در دستور کار قرار داده است. آماج تحریم‌ها نیز تضعیف بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی است تا با فرسایش و تحلیل آن ضمن به خطر انداختن امنیت اقتصادی کشور، امنیت سیاسی نظام را نیز به مخاطره افکند. در چنین شرایطی ضد استراتژی مناسب برای جمهوری اسلامی نیز می‌باید عمدتاً صبغه اقتصادی داشته باشد تا از عهده خنثی‌سازی یا کاهش آثار تحریم‌های اقتصادی برآید. بر پایه این ضرورت، ورود به طرح‌های دارای عواید و منافع اقتصادی مطلوبیت و توجیه منطقی می‌یابد. از این دیدگاه، «تاب‌آوری و بازدارندگی در مقابل تهدیدات اقتصادی یک راهبرد کلان است که بر تنوع‌بخشی به تجارت خارجی و توسعه مناسبات اقتصادی پایدار با قدرت‌های نوظهور اقتصادی تأکید دارد» (سجادپور، ۱۳۹۸: ۳۸۹).

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۴۹

توافق ۲۵ ساله با توجه به ماهیت اقتصادی و تجاری می‌تواند دستاوردهایی به‌ویژه در زمینه کاهش آثار مخرب تحریم‌ها داشته باشد. فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای گسترش تجارت، افزایش تنوع کالاهای تجاری و عواید ناشی از ترانزیت (Scita, 2022: 102) از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی است که از رهگذر این توافق ممکن می‌گردد. دیپلماسی مشارکتی چین، بر پایه «وفاداری چین به ایران در شرایط سخت تحریم‌ها» (اختیار امیری، ۱۳۹۶: ۳۳) بستر مناسبی فراهم می‌کند تا ایران بخش مهمی از منابع برای بازسازی بنیان اقتصادی را از راه تجارت و سرمایه‌گذاری تأمین کند. بنابراین، سند مشارکت فرصتی جهت محدودسازی آثار تحریم‌ها و بازسازی پایه‌های قدرت اقتصادی کشور است.

۶. چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و چین در پرتو توافق راهبردی

۶-۱. رویکردها و انتظارات متفاوت تهران و پکن از سند توافق

هدف اصلی چین از امضای سند توافق با ایران، ایجاد چارچوب باثبات و بلندمدت برای روابط با ایران و همچنین تحقق اهداف ژئواکونومیک است. در مدل چینی دیپلماسی مشارکتی، عناصر و اهداف سیاسی - نظامی فرع بر عناصر و اهداف اقتصادی است. دلیل این امر را باید در رویکرد کلان‌نخبگان چینی به ماهیت قدرت ژئواکونومیکی کشور خود جست که بارزترین وجه قدرت را قابلیت‌های اقتصادی می‌داند. توسعه اقتصادی به‌عنوان تنظیم‌کننده روابط دولت-جامعه و تضمین‌کننده ثبات سیاسی، به ایدئولوژی مشروعیت‌بخش حزب کمونیست تبدیل شده است؛ بنابراین، چین در دیپلماسی مشارکتی با ایران به انتظارات اقتصادی اولویت تام می‌بخشد.

این در حالی است که رویکرد تاریخی ایران به قدرت ماهیت ژئوپلیتیک داشته و راهنمای سیاست خارجی آن در حوزه همکاری‌های استراتژیک نیز تقویت بینه نظامی - سیاسی و سپس اقتصادی است. دولت‌مردان ایران به‌دلیل مناقشات محیطی، همواره دل‌مشغول موضوعات سیاسی بوده و از ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی بازمانده‌اند. این در حالی است که امروزه با توجه به جایگاه اقتصاد در معادلات جهانی، دیپلماسی اقتصادی به مهم‌ترین کارویژه دولت‌مردان تبدیل شده است. از این رو، می‌باید سپهر ذهنی و

فکری سطوح عالی حاکمیت کشور اقتصادی شده و زمینه‌ساز مسیر دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری باشد (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۵: ۳۴۷)؛ بنابراین، انتظارات ایران از توافق با چین اساساً در عناصر و اهداف سیاسی-امنیتی تعیین می‌یابد و اقتصاد فرع بر آن است. با وجود این، حتی در شرایطی که دو کشور انتظارات و رویکردهای متفاوت از توافق دارند، روابط آن‌ها می‌تواند به سطوح بالایی در آینده برسد که آثار ژئواستراتژیک به بار آورد (Stanzel, 2022: 23).

از سویی دیگر، چینی‌ها دید بلندمدتی به همکاری با ایران دارند و بر همین اساس به اجرای سند می‌پردازند. این در حالی است که ایران به دلیل فرهنگ استراتژیک متفاوت و فشار ناشی از تحریم‌ها بر نتایج کوتاه‌مدت این سند متمرکز است؛ بنابراین، انتظار دستیابی به نتایج راهبردی کوتاه‌مدت از توافق (که بعید است)، می‌تواند به نومی‌دی از دیپلماسی اقتصادی در برابر چین بینجامد.

بدین سان، شکاف رویکردهای دو طرف به ماهیت و ضرورت‌های قدرت و همچنین شکاف انتظارات از توافق راهبردی، مانع تلاقی دیپلماسی اقتصادی ایران با دیپلماسی مشارکتی چین می‌گردد. در صورت تداوم شکاف رویکردها و انتظارات، تدوین برنامه عملیاتی برای این سند با دشواری مواجه خواهد شد و بهره‌برداری اقتصادی دو طرف بهینه نخواهد بود.

۶-۲. ساختارهای تجاری متفاوت دو طرف

ساختارهای تجاری متفاوت ایران و چین از بازدارنده‌های بهره‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران از سند مشارکت است. تقابل‌های سه‌گانه «سیاست/اقتصاد، بازیگران دولتی/غیردولتی و داخل/خارج» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۷۳) مهم‌ترین چالش‌های ساختار تجاری ایران محسوب می‌شوند. سیاست خارجی ایران متأثر از سیاست‌های تجاری حمایت‌گرایانه و همچنین تحریم‌های چندلایه است که دشواری‌های ساختاری برای گسترش تعاملات تجاری ایران با چین ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، با وجود اینکه ایران دومین شریک تجاری چین در غرب آسیاست، اما تجارت میان دو کشور بر مبنای قواعد جهانی تجارت آزاد

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۵۱

صورت نمی‌گیرد (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۰)؛ بنابراین، ساختار تجاری حمایت‌گرایانه ایران و عدم همگامی آن با قواعد و رویه‌های حاکم بر تجارت جهانی، یکی از چالش‌هایی است که به‌مثابه عامل بازدارنده دیپلماسی اقتصادی ایران جهت بهره‌مندی از مزایای دیپلماسی مشارکتی چین عمل می‌کند. در توضیح مطلب باید افزود که در شرایط موجود به‌تبع جدال تجاری میان امریکا و چین، روند سیاست تجاری چین نیز به‌سوی دوری تدریجی از ساختار تجارت آزاد جهانی حرکت می‌کند. این روند دگرگون‌شونده می‌تواند در صورت تداوم به فرصتی برای گسترش دیپلماسی تجاری ایران در قبال چین تبدیل شود.

۳-۶. تحریم‌های مالی و بانکی

تسلط امریکا بر نظام مالی جهانی و ساختار تحریمی وضع‌شده علیه ایران محدودیت‌های جدی در روند همکاری‌های مالی و بانکی میان ایران و چین ایجاد می‌کند. طبیعی است در شرایطی که تعاملات بانکی، ارزی و مالی میان دو کشور به‌واسطه تحریم‌ها به‌ویژه بعد از خروج امریکا از توافق هسته‌ای در معرض محدودیت‌های جدی است (Chaziza, 2020: 167)، همکاری‌های اقتصادی و مبادلات تجاری نیز به‌موجب سند مشارکت میان دو کشور با دشواری‌های بیشتری مواجه می‌گردد. اهمیت مسئله از آنجاست که مبادلات مالی و بانکی مجرای تعامل در سایر حوزه‌هاست و هرگونه محدودیت در این بخش، همکاری در سایر بخش‌ها را نیز محدود می‌سازد.

۴-۶. ضعف و کمبود دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری ایرانی

دیپلماسی اقتصادی نیازمند دیپلمات‌های دارای تخصص و دانش اقتصادی است؛ «دیپلمات‌های حرفه‌ای» که با روش‌های دیپلماتیک اهداف و منافع اقتصادی را محقق سازند (Bull, 2002: 162). در این زمینه، دیپلماسی اقتصادی ایران در برخورداری از گشایش‌های توافق با چین با چالش ناشی از ضعف و کمبود دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری مواجه است. با توجه به اینکه «شناخت شرکت‌های چینی از بازار ایران و فرصت‌های آن اندک است و در ایران نیز در سطوح دولتی و بخش خصوصی شناخت اندکی از توانمندی‌های اقتصادی، مالی و فناورانه چین و نیز شرکت‌های این کشور وجود دارد» (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۶:

۱۹)، نبود یا کمبود دیپلمات‌های اقتصادی چالشی بازدارنده در برابر فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی کشور محسوب می‌شود. دیپلمات‌هایی که به گردآوری اطلاعات درمورد فرصت‌های صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری، دسترسی شرکت‌های ایرانی و چینی به بازارهای یکدیگر، کمک به توسعه روابط اقتصادی-تجاری دوجانبه از راه مشورت‌دهی به شرکت‌های ایرانی و چینی جهت سرمایه‌گذاری دوسویه (Bridge & James, 2001: 8138-39) بپردازند. آن‌ها می‌توانند از راه «مشورت دادن و حمایت از شرکت‌های» (Scholte, 2001: 38-39) ایرانی و چینی در تصمیمات سرمایه‌گذاری به ارتقای پیوندهای اقتصادی دو کشور کمک کنند.

نتیجه‌گیری

عوامل و محرکه‌های برانگیزاننده ایران و پکن که از خاستگاه ساختاری و سیستمی برخوردارند، آن‌ها را به امضای سند مشارکت جامع راهبردی سوق داده است. در همین راستا می‌توان به روند تحول در ساختار قدرت جهانی در جهت توزیع متوازن‌تر قدرت با محوریت شرق و ترسیم چشم‌اندازی پرچالش از روابط امریکا با ایران و چین در نظام بین‌الملل «در حال گذار» اشاره کرد که به تنظیم این سند انجامیده است.

براساس فرضیه مورد مطالعه می‌توان اذعان داشت که در بستر ضرورت‌های هم‌گرایی دو کشور در دوره گذار، دیپلماسی اقتصادی ایران در پرتو توافق راهبردی با چین از یک‌سو گشایش‌هایی را در زمینه‌های تجاری، مالی (گرچه به‌سختی)، ارتباطات و ترانزیت و حمل‌ونقل تجربه می‌کند، اما از سوی دیگر، با چالش‌های اجرایی معناداری نیز مواجه است که بهره‌مندی آن را محدود می‌سازد. نتیجه آنکه بهره‌مندی از فرصت‌ها در گروی خنثی‌سازی چالش‌هاست و این‌گونه به‌نظر می‌رسد که این مستلزم آن است ایران بیش از چین ناگزیر از هماهنگ‌سازی خود با رویکردها و انتظارات چین باشد.

یافته مهم به‌دست‌آمده نیز نشان می‌دهد تا زمانی که تحریم‌ها بر اقتصاد ایران سنگینی می‌کنند، چین در بازار و اقتصاد ایران بدون رقیب خواهد بود و این به‌نوبه خود به تداوم ناهم‌ترازی و عدم تقارن در روابط مبتنی بر هم‌گرایی میان دو کشور از جمله کسری تراز

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۵۳

تجاری به نفع چین و به ضرر ایران می‌انجامد. این بدان معناست که در بستر تحریم‌زدگی اقتصادی، وابستگی اقتصادی ایران به چین به گونه‌ای نامتقارن بیش از طرف مقابل خواهد بود و این ناهم‌ترازی، دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال پکن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

با توجه به ضرورت‌ها و اقتضائات سیاسی و اقتصادی متقابل و همچنین فرصت‌های بازیابی و چالش‌های بازدارنده دیپلماسی اقتصادی ایران در قالب سند مشارکت راهبردی، یک سلسله الزامات راهبردی ناظر بر سیاست خارجی ایران است. مهم‌ترین این الزامات عبارت‌اند از:

- تمرکز دیپلماسی اقتصادی ایران در قبال چین بر گسترش تعامل با شرکت‌های کوچک و متوسط چین و جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری آن‌ها در طرح‌های مختلف اقتصادی و صنعتی؛

- فعال‌سازی بخش خصوصی در مبادلات اقتصادی با چین و برقراری پیوندی باثبات میان بخش خصوصی ایران با اقتصاد چین از راه تعبیه سازوکارهای حمایتی به‌ویژه حمایت سفارت ایران در پکن از تجار ایرانی و توسعه مرادده بخش خصوصی ایرانی و چینی با این سفارتخانه؛

- اعزام رایزن بازرگانی به چین از سوی سازمان توسعه تجارت؛

- افتتاح دفتر سازمان توسعه تجارت در شانگهای؛

- راه‌اندازی ستاد روابط تجاری با چین به ابتکار دولت و با همکاری سایر نهادهای فعال در حوزه اقتصاد مانند وزارت‌خانه‌های صمت؛ اقتصاد و دارایی؛ سازمان توسعه تجارت و اتاق بازرگانی.

با در نظر گرفتن مجموعه این ملاحظات و توصیه‌های سیاست‌گذارانه امید می‌رود که سند مشارکت جامع راهبردی میان ایران و چین بتواند گام مهمی در تأمین منافع ملی کشور بر مبنای روابط بلندمدت دوجانبه باشد.

منابع

آزادانی (۱۳۹۵) آخرین وضعیت خط‌آهن قطار سریع‌السیر تهران-قم-اصفهان، ایسنا، در: <http://www.isna.ir/news/94020200931>

۶۵۴ مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره دوم، ۶۲۷-۶۵۷

احمدلو، محمدمین (۱۴۰۰) نیازهای ارتباطی ایران در توافق با چین بررسی شد: لزوم واردات فناوری، در: <https://jahanesanat.ir/%D9%84%>

اختیار امیری، رضا و محبوبه صالحی (۱۳۹۶)، «بررسی علل و زمینه‌های گسترش روابط ایران و چین در عصر پساجام»، سیاست و روابط بین‌الملل، ۱ (۱)، ۳۳-۵۱.

ایرنا (۱۳۹۷)، چین برای صادرات ایران خط اعتباری ویژه ایجاد می‌کند، در: <https://www.irna.ir/news/83249166/>

ایرنا (۱۳۹۴)، آخوندی: صنعت حمل‌ونقل ریلی تا سال ۱۴۰۴ نیاز به سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیارد دلاری دارد، در: <http://www8.irna.ir/fa/News/81610680>

ایسنا (شهریور ۱۴۰۰)، روابط اقتصادی ایران و چین به روایت آمار، در: <https://www.isna.ir/news/1400060100014/AA>

ایسنا (مرداد ۱۴۰۱)، گفت‌وگو با رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین: با لغو تحریم‌ها تجارت با چین دوبرابر می‌شود، در: <https://www.isna.ir/news/1401051108374>

دنیای اقتصاد (۱۳۹۴) / کران خارجی ۱۲۱ پروژه، در: <http://donya-e-qtasad.com/news/932542>

دهقانی فیروزآبادی، جلال و مختار صالحی (۱۳۹۱)، «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌ها و چالش‌ها»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۷ (۵۲)، ۷۳-۱۱۴.

زکریا، فرید (۱۳۹۹)، جهان پسا/امریکایی، احمد عزیزی، تهران: هرمس.

سجادپور، محمدکاظم و دیگران (۱۳۹۸)، «طراحی مدل دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ بایسته‌ها، مؤلفه‌ها و راهبردهای کلیدی»، امنیت ملی، ۹ (۳۴)، ۳۸۹-۴۲۵.

سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵) چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۸)، ۳۲۵-۳۵۸.

سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۸)، «نسبت‌سنجی کارکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطابق اهداف توسعه‌گرایانه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و الزامات ناظر بر آن»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲ (۱)، ۱۱۹-۱۵۲.

سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵)، «بررسی جامع روابط دوجانبه ایران و چین»، مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی، <https://rc.majlis.ir>

شریعتی‌نیا، محسن و حمیدرضا عزیزی (۱۳۹۶)، «همکاری ایران و چین در کمربند اقتصادی جاده ابریشم»، فصلنامه روابط خارجی، ۹ (۴)، ۷-۲۹.

صمدی‌نیا، ایمان (۱۴۰۰)، فرصت توسعه فناوریانه در همکاری‌های راهبردی تهران و پکن، در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2001708/>

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۵۵

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۰) «ایران و چین: آینده دیپلماسی اقتصادی»، در:

<https://eximnews.ir>

وزارت نفت (۱۴۰۰) در: <https://www-mop-ir.translate.google.portal/home/?news/>

References

- Ahmadlou, M. A. (2022), *Iran's communication needs were examined in the agreement with China: the need to import technology*, in: <https://jahanesanat.ir> (In Persian).
- Al-Rodhan, Khalid R. (2007), "A Critique of the China Threat Theory: A Systematic Analysis," *Asian Perspective*, 31 (3).
- Azadany (2017), *The latest status of the Tehran-Qom-Isfahan high-speed railway line*, Isna, at: <http://www.isna.ir/news> (In Persian).
- Baranay, Pavol (2009) "Modern Economic Diplomacy", in: <http://www.dec.lv/mi/Baranay>.
- Bayen, N. & Woolcock, S. (2011), *The New Economic Diplomacy; Decision-making and Negotiation in International Economic Relations*, Hampshire: Ashgate
- Bridge, G. & James, A. (2001). *A Dictionary of Diplomacy*, Hampshire, Palgrave
- Bridges, W. (2004), *Transitions: Making Sense Of Life's Changes*, Kindle Edition, in: https://www.amazon.com/Transitions-Making-Sense-Lifes-Changes-ebook/dp/B004ZY23TS/ref=sxin_7_entity_rec_bsx_s_def_r00_i_auf1?cv_ct_cx=Transitions&dchild=1&keywords=Transitions&pd_rd_i=B004ZY23TS&pd_rd_r
- Bull, H. (2002), (edition) *The Anarchical Society; A Study of Order in World Politics*, Palgrave.
- Chaziza, M. (2020), *The Impact of U.S. Sanctions on Iran's Engagement and Integration in the Belt and Road Initiative*, in: <https://www.researchgate.net/publication/345721719>
- Cheng, J. Y. S. & Zhang, W. (2002), Patterns and Dynamics of China's International Strategic Behaviour, *Journal of Contemporary China*, 11 (31)
- Chidley, C. (2014), Towards a Framework of Alignment in International Relations, *Politikon*, 41 (1),
- Dehghani Firouabad, J. & Salehi M. (2013), Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran: Fields and Challenges, *Iran Economic Research*, 17 (52), 73-114 (In Persian).
- Ekhtiar Amiri, R. & Salehi, M. (2018), Investigating the reasons and grounds for the expansion of relations between Iran and China in the post JCPOA era, *Politics and international relations*, 1 (1), 33-51 (In Persian).
- Full text of Joint Statement on Comprehensive Strategic Partnership between I.R. Iran, P.R. China*, in: <https://www.president.ir/EN/91435>
- Gill, B. (2007), *Rising Star: China's New Security Diplomacy*, Washington D.C.: Brookings Institution Press.
- Goldstein, A. (2005), *Rising to the Challenge: China's Grand Strategy and International Security*, Stanford, C.A.: Stanford University Press
- Iran Chamber Research Center* (2022), Iran and China: The Future of Economic Diplomacy, in: <https://eximnews.ir> (In Persian).
- Irna (2016), *Akhundi: The rail transport industry needs an investment of 25 billion dollars by 1404*, in: <http://www8.irna.ir/fa/News/81610680> (In Persian).
- Irna (2019) *China creates a special credit line for Iran's exports*, in: <https://www.irna.ir/news> (In Persian).
- Isna (Mordad 2023), *Interview with the head of Iran-China Chamber of Commerce: With the lifting of sanctions, trade with China will double*, in: <https://www.isna.ir/news> (In Persian).
- Isna (Shahrivar 2022) *Economic relations between Iran and China according to statistics*, in: <https://www.isna.ir/news/1400060100014/AA> (In Persian).
- Johnston, I. A. (2003) "Is China a Status Quo Power?", *International Security*, 27 (4) (Spring).
- Kagan, R. (2005) "The Illusion of 'Managing' China", *Washington Post*, May 15.
- Kristensen, H., Robert, S. Norris, & McKinzie, M. (2006) *Chinese Nuclear Forces and U.S.*

- Nuclear War Planning*. Washington, DC: Federation of American Scientists/Natural Resources Defense Council, November
- Li, Q. & Ye, M. (2019), *China's emerging partnership network: what, who, where, when and why*, in: <https://www.emerald.com>.
- Mearasheimer, John J. (2006), "China's Unpeaceful Rise", *Current History*, 105 (690), in: <https://doi.org/10.1525/curh.2006.105.690.16>
- Mearsheimer, John (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: W.W. Norton
- Medeiros, E. S. (2009), *China's International Behavior. Activism, Opportunism, and Diversification*. Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- Nadkarni, V. (2010), *Strategic Partnerships in Asia: Balancing Without Alliances*, London, New York: Routledge.
- Naray, O. (2008), "Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview", *World Conference of TPOs The Hague The Netherlands*.
- Oil Ministry (2022), <https://www-mop-ir.translate.google.com/portal/home> (In Persian).
- Organization for Economic Cooperation and Development (2009) in: <http://www.oecd.org>.
- Parameswaran: (2014), Explaining US Strategic Partnerships in the Asia-Pacific Region: Origins, Developments and Prospects, *Contemporary Southeast Asia*, 36 (2).
- Ploae, Catalin (2010), "Recent Trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area", in: <http://idec.gr/iier/new/3rd%20Panhellenic%20Conference.pdf>
- Qin, Y. (2011), Rule, Rules, and Relations: Towards a Synthetic Approach to Governance, *The Chinese Journal of International Politics*, 4 (2).
- Sajjad Pour, Mohammad Kazem & et. Al. (2020), Designing the economic diplomacy model of the Islamic Republic of Iran; Key requirements, components and strategies, *National Security*, 9 (34), 389-425 (In Persian).
- Samadi Nia, Iman (2022), *Technological development opportunity in strategic cooperation between Tehran and Beijing*, in: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2001708/> (In Persian).
- Saner, Raymond and Lichi Yiu (2001), "International Economic Diplomacy: Mutations in Post-Modern Times", *Netherland Institute of International Relations "Clingendael"*, in: http://www.clingendael.nl/sites/default/files/20030100_cli_paper_dip_issue84.pdf
- Scholte, Ian Art (2001), "Globalisation, Governance and Corporate Citizenship", *Journal of Corporate Citizenship*, (1), January.
- Scita, Jacopo (2022), *China-Iran Relations Through the Prism of Sanctions*, *Asian Affairs*, 53: 1, in: <https://doi.org/10.1080/03068374.2022.2029060>
- Shariati Nia, M. & Azizi, H. R. (2018), Cooperation between Iran and China in the Silk Road Economic Belt, *Foreign Relations Quarterly*, 9 (4), 7-29 (In Persian).
- Silk Road Fund* (2019), in: <http://www.silkroadfund.com.cn/enweb/23809/23812/40218/index.html>
- Sklias, P., Spyros, R. & Victoria, P. (2012), "China's Economic Diplomacy: A Comparative Approach to Sino- Greek and Sino- Turkish Relations", *International Journal of Business and Social Science*, 3 (10).
- Soleimani Poulak, F. (2017), *A comprehensive study of bilateral relations between Iran and China*, in: <https://rc.majlis.ir> (In Persian).
- Soleimani Poulak, F. (2017), The Challenges and Necessities of Economic Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Majlis and Strategy*, 22 (88), 325-358 (In Persian).
- Soleimani Poulak, F. (2020), Proportional assessment of the function of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran according to the development goals of the vision document 1404 and the requirements related to it, *International Political Economy Studies*, 2 (1), 119-152 (In Persian).
- Stanzel, A. (2022), *China's Path to Geopolitics Case Study on China's Iran Policy at the Intersection of Regional Interests and Global Power Rivalry*, in: https://www.swp-berlin.org/publications/products/research_papers/2022RP05_China_IranPolicy.pdf.
- Strüver, G. (2016), *International Alignment between Interests and Ideology: The Case of China's*

فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر توافق... (سعید اسلامی و فاطمه سلیمانی پورلک) ۶۵۷

- Partnership Diplomacy*, in: <https://www.econstor.eu/bitstream>.
- Tammen, R. L., Kugler, J. & Lemke, D. (2017), *Foundations of Power Transition Theory*, in: <https://oxfordre.com/politics/view>.
- The World of Economics (2016), *Foreign Release of 121 Projects*, in: <http://donya-e-eqtesad.com/news/932542> (In Persian).
- Uzun, E. (2021), *The Iran-China Deal Amid the Global Power Transition*, in: <https://www.aa.com>.
- Waltz, K. (2000), "Structural Realism after the Cold War", *International Security*, 25 (1) (Summer), 32.
- Wilkins, T. S. (2008), Russo–Chinese Strategic Partnership: A New Form of Security Cooperation? *Contemporary Security Policy*, 29 (2),
- Wilkins, T. S. (2012), "Alignment", not "Alliance" – the Shifting Paradigm of International Security Cooperation: *Toward a Conceptual Taxonomy of Alignment. Review of International Studies*, 38 (1).
- World Bank (2021), *Iran, Islamic Rep. Product exports and imports to China*, in: <https://wits.worldbank.org>.
- Zakaria, F. (2021), *Post-American World*, Ahmad Azizi, Tehran: Hermes (In Persian).
- AIIB (January 2017), *Asian Infrastructure Investment Bank*, in: <https://www.investiniran.ir/fa/news/-Asian-Infrastructure-Investment-Bank>.
- Interim National Security Strategic Guidance (2021/03/03), in: <https://www.whitehouse.gov>.
- Krauthammer, Ch. (1995) "Why We Must Contain China" *Time*, July 31, 72.

